

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: اسمعیل فهره آ
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۰۹ می ۲۰۲۵

کاهش روزافزون نفوذ امریکا در امریکای لاتین



در دهه‌های اخیر، ایالات متحده آمریکا همواره نقش محوری و تعیین‌کننده‌ای در تحولات سیاسی و اقتصادی امریکای لاتین ایفا کرده است. با این حال، به نظر می‌رسد که این نفوذ سنتی در سال‌های اخیر با موجی از مقاومت و دشواری‌های جدی از سوی کشورهای این منطقه مواجه شده است. این تحول که عمدتاً در واکنش به سیاست‌های تنش‌آفرین دولت دونالد ترامپ، از جمله اعمال تعرفه‌های گمرکی، تبعیدهای گسترده مهاجران و مداخلات اقتصادی و نظامی در امور داخلی کشورها شکل گرفته، بیانگر تغییر رویکرد کشورهای امریکای لاتین در مواجهه با قدرت بلامنازع واشنگتن است. اگرچه این تحولات در رسانه‌های غربی بازتاب چندانی نداشته‌اند، اما نارضایتی عمیق در میان مردم و دولت‌های منطقه از سیاست‌های آمریکا، به تدریج در حال تقویت جبهه‌های مقاومت در سراسر امریکای لاتین و حوزه کارائیب است.

یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری این مقاومت، سیاست‌های تهاجمی دونالد ترامپ در قبال امریکای لاتین بود. اعمال تعرفه‌های سنگین بر کالاهای وارداتی از کشورهای منطقه، تبعیدهای دسته‌جمعی مهاجران و تلاش آشکار برای به حاشیه راندن نقش چین در اقتصاد منطقه، همگی موجب تشدید اختلافات و ایجاد شکاف عمیق‌تر بین واشنگتن و

کشورهای آمریکای لاتین شد. در برخی کشورها، نظیر مکزیکو، این سیاست‌ها نه تنها دولت، بلکه فعالان اقتصادی و حتی رهبران اپوزیسیون را نیز در یک جبهه متحد علیه سیاست‌های آمریکا گرد هم آورد.

همزمان، رهبران برخی کشورهای دیگر، به ویژه لونیس ایناسیو لولا دا سیلوا، رئیس‌جمهور برزیل، با تقویت سازمان‌های منطقه‌ای همچون CELAC (جامعه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب)، تلاش کرده‌اند تا از میزان دخالت‌های ایالات متحده در امور منطقه بکاهند.

نمونه بارز این مقاومت را می‌توان در پاناما مشاهده کرد. در اپریل سال جاری، هزاران معترض به خیابان‌ها آمدند تا مخالفت خود را با سفر وزیر دفاع آمریکا، پیت هگست، و احتمال استقرار پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در این کشور اعلام کنند. گروهی به نام Frenadeso (جبهه ملی دفاع از حقوق اقتصادی و اجتماعی) حتی از برنامه‌های پنهانی آمریکا برای ایجاد چهار پایگاه نظامی در پاناما پرده برداشت. این اعتراضات به حدی گسترده بود که رئیس‌جمهور راست‌گرای پاناما، خوزه رائول مولینو، نیز اعلام کرد که اجرای چنین طرحی می‌تواند کشور را به آشوب بکشانند.

سیاست‌های دولت ترامپ همچنین به تقویت احساسات ضدآمریکائی در میان مردم آمریکای لاتین دامن زده است. خوان پابلو اسپینتو، ستون‌نویس بلومبرگ، بر این باور است که رویکرد «یا با ما یا علیه ما»ی آمریکا موجب افزایش این احساسات شده و جذابیت همکاری با واشنگتن را برای کشورهای منطقه بشدت کاهش داده است. در این راستا، حتی برخی کشورهای حوزه کارائیب، مانند باربادوس و جامائیکا، در مقابل تهدیدهای آمریکا، از مأموریت‌های پزشکی کوبا تمجید کرده و حمایت خود را از این همکاری‌ها اعلام کردند. میا موتلی، نخست‌وزیر باربادوس، با صراحت اعلام کرد که اگر بهای همکاری با پزشکان کوبائی از دست دادن ویزای آمریکا باشد، آن‌ها حاضر به پرداخت این بها هستند، زیرا اصول برایشان در اولویت قرار دارد.

شکست ایالات متحده در انتخاب دبیرکل جدید سازمان کشورهای آمریکائی (OEA) نیز ضربه دیگری به موقعیت این کشور در آمریکای لاتین وارد کرد. انتخاب آلبرت رامدین از سورینام به عنوان دبیرکل این سازمان، در حالی که تنها نامزد رقیب او، روبن رامیرز لزانو از پاراگوئه، مورد حمایت آشکار آمریکا قرار داشت، نشان‌دهنده تمایل روزافزون کشورهای منطقه به استقلال عمل و کاهش نفوذ واشنگتن است. رامدین مواضعی انتقادی نسبت به برخی سیاست‌های آمریکا دارد و از دولت ونزوئلا و نقش چین در منطقه حمایت می‌کند، در حالی که رامیرز تعهد داده بود تا سیاست «تغییر رژیم» مورد نظر آمریکا را در ونزوئلا، کوبا و نیکاراگوئه دنبال کند.

مکزیکو تحت رهبری کلودیا شاینباوم نیز به نمادی از مقاومت در برابر فشارهای آمریکا تبدیل شده است. در واکنش به تهدید ترامپ مبنی بر اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر واردات از مکزیکو، شاینباوم تجمعی عظیم با حضور صدها هزار نفر در میدان مرکزی مکزیکوسیتی برگزار کرد و با قاطعیت اعلام کرد که مکزیکو طرفدار تقابل نیست، اما اجازه نخواهد داد که تصمیمات قدرت‌های خارجی حاکمیت ملی این کشور را زیر پا بگذارند. این واکنش نه تنها ترامپ را غافلگیر کرد، بلکه به تقویت یک جبهه متحد در داخل مکزیکو منجر شد.

سیاست‌های آمریکا همچنین به تشدید قطب‌بندی سیاسی در آمریکای لاتین دامن زده است. در برخی کشورها، دولت‌های چپ و مرکزچپ با جناح راست تندرو، که اغلب همسو با سیاست‌های آمریکا هستند، درگیر تنش‌های فزاینده‌ای شده‌اند. به عنوان مثال، تبعید صدها شهروند ونزوئلائی توسط آمریکا به زندان‌های السالوادور و گواتمالا با واکنش‌های تند از سوی دولت نیکلاس مادورو مواجه شد. در مقابل، ماریا کورینا مجادو، رهبر اپوزیسیون ونزوئلا، بدون انتقاد از این اقدام آمریکا، به واشنگتن اطمینان داد که دولت آتی آن‌ها به قوانین دموکراتیک احترام خواهد گذاشت و این اقدامات را

مشروع می‌داند. این مسأله منجر به شکاف در میان مخالفان دولت ونزوئلا شد، به طوری که هنریکه کاپریئس، از چهره‌های برجسته اپوزیسیون، بشدت از تبعیدهای امریکا انتقاد کرد و خواستار احترام به حقوق بشر شد.

در حالی که امریکا تحت لوای دکترین مونرو بر حفظ هژمونی خود در امریکای لاتین تأکید دارد، عملکرد یک جانبه گرایانه این کشور در عمل منجر به دور شدن کشورهای منطقه از واشنگتن شده است. تصمیم امریکا برای کاهش یا قطع کمک‌های مالی به سازمان کشورهای امریکائی (OEA) نیز موجب نارضایتی بیشتر کشورهای منطقه شده است. برخی رهبران، مانند آندرس منوال لویز اُبراُتور، رئیس‌جمهور سابق مکزیکو، حتی خواستار جایگزینی OEA با یک سازمان منطقه‌ئی مستقل‌تر و با الهام از مدل اتحادیه اروپا شده‌اند.

در حوزه اقتصادی نیز، رهبران چپ و مرکزچپ امریکای لاتین تلاش می‌کنند تا وابستگی خود به دالر امریکا و توافقات تجاری یک جانبه با این کشور را کاهش دهند و روابط تجاری خود را با استفاده از ارزهای محلی تقویت کنند. لولا دا سیلوا در این زمینه تأکید کرده است که هرچه اقتصادهای کشورهای امریکای لاتین با یک دیگر یک پارچه تر شوند، این کشورها در برابر اقدامات یک جانبه قدرت‌های خارجی از امنیت بیشتری برخوردار خواهند بود. او همچنین در کنفرانس CELAC در هندوراس بر ضرورت شکل‌گیری یک «نظام اقتصادی جدید» در برابر سیاست‌های امریکا تأکید کرد.

در مجموع، رویکرد دولت ترامپ نه تنها نتوانسته است نفوذ امریکا در امریکای لاتین را تقویت کند، بلکه به تضعیف آن نیز منجر شده است. مقاومت‌های مردمی، افزایش احساسات ضد امریکائی، تقویت سازمان‌های منطقه‌ئی و شکل‌گیری جبهه‌های متحد در برابر سیاست‌های یکجانبه واشنگتن، همگی نشانه‌های آشکاری از تغییر در موازنه قدرت در امریکای لاتین هستند. رهبرانی همچون لولا، شاینباوم و رامدین، با تأکید بر استقلال ملی و همبستگی منطقه‌ئی، مسیر نوینی را در برابر نفوذ سنتی امریکا گشوده‌اند. بدون تردید، این روند یکی از اساسی‌ترین تحولات در سیاست منطقه‌ئی امریکای لاتین در دهه‌های اخیر به شمار می‌رود و این امید را به وجود آورده است که کشورهای این منطقه بتوانند مسیری مستقل و قدرتمندانه را در عرصه بین‌المللی رقم بزنند و دیگر تحت سایه نفوذ بلامنازع ایالات متحده باقی نمانند.